



۲۲ بهمن: تجمعات اعتراضی خود را برپا کنیم

را به آرامش دعوت کنند. مدتها است اما که خود به بیهوده بودن این تقلابا پی برده اند. عمر رژیم اسلامی مضحکه و نمایش دولتی براه اندازند. کاربردستان حکومت اسلامی و قاتلین مردم قرار است در مدح اسلام و خمینی به منبر بروند و مردم تشنه آزادی، زنان و جوانان متنفر از نظام اسلامی و کارگران بجان آمده از فقر و بیحقوقی

مردم آزادیخواه! رژیم اسلامی در بحرانی همه جانبه دست و پا میزند، میخوانند روز ۲۲ بهمن مضحکه و نمایش دولتی براه اندازند. کاربردستان حکومت اسلامی و قاتلین مردم قرار است در مدح اسلام و خمینی به منبر بروند و مردم تشنه آزادی، زنان و جوانان متنفر از نظام اسلامی و کارگران بجان آمده از فقر و بیحقوقی

اما مردم انقلابی، به رهبری چپ، قیام کردند و دستگاه نظامی حکومت را در هم کوبیدند. طرح اسلامی سرکوب خونین انقلاب بنام انقلاب ۲ سال و نیم، تا خرداد ۶۰، به تعویق افتاد. قیام ۲۲ بهمن دو سال و نیم برای مردم فرصت خرید. ۲۲ بهمن تجربه گرانبهای در هم شکستن ماشین نظامی استبداد و شکستن اسلحه در دست یک دولت پلیسی را در حافظه تاریخی یک نسل و یک جامعه قرار داد. مردم ایران یک قیام پیرومند را لمس کرده اند و کابوس تکرار ۲۲ بهمن توسط این مردم آن چیزی است که امروز پشت سران رژیم اسلامی را میلرزاند.

۲۲ بهمن ۵۷ روز شکست اختناق آریامهری است. این روزی است که مردم ایران سلطنت و دم و دستگاه ساواک و فرمانداریهای نظامی را شکست دادند. بر مبنای توافقات با آمریکا و سران ارتش شاه، اسلاميون قرار بود ارتش رژیم سلطنت را دست نخورده تحویل بگیرند و فوراً علیه چپ و مردم انقلابی بکار ببرند. تا آخرین ساعات روز ۲۱ بهمن جماعت اسلامی با ماشین و بلندگو در تهران و شهرهای دیگر میچرخیدند و هشدار میدادند که "خمینی حکم جهاد نداده است"، که "دست به اسلحه نبرید"، که "بخانه بروید"، "قیام توطئه است".

تاریخ شکست نخوردگان

چند کلمه به یاد انقلاب ۵۷

صفحه ۲

منصور حکمت

۸ مارس امسال، روز مبارزه علیه حجاب اسلامی

اطلاعیه شماره ۴ در مورد اعتصاب کارگران سد کارون

کارگران سد کارون ۳ پیروز شدند

منظم ابزار مناسبی برای خنثی کردن سایر توطئه های مدیریت و ایجاد اتحاد و همبستگی عمیقتر در میان کارگران است. حزب کمونیست کارگری کارگران پیشرو را به برقراری رابطه با سایر بخشهای کارگری از جمله مراکز مهم صنعتی در خوزستان برای مبارزه متحدانه حول افزایش دستمزدها فرامیخواند. ۱۸ بهمن ۱۳۷۹

را مجددا شروع کردند. حزب کمونیست کارگری پیروزی کارگران سد کارون ۳ را به همه کارگران این شرکت تبریک میگوید. حزب کمونیست کارگری کارگران این مجتمع را به برپائی مجمع عمومی منظم برای پیگیری سایر خواستههای کارگران از جمله استخدام دائم و پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده فرامیخواند. مجمع عمومی

همه این توطئه ها با تلاش پیگیر کارگران پیشرو خنثی شد. سر انجام پس از دو هفته اعتصاب، تجمع در مقابل فرمانداری و ایجاد راه بندانهای متعدد، پس از دو هفته مبارزه متحدانه، مدیریت مجتمع روز ۱۶ بهمن ماه طی اطلاعیه ای اعلام کرد که همه کارگران به سر کار برگردند. و بدینترتیب ۶۲۰۰ کارگر سد کارون کار

اعتصاب گسترده ۶۲۰۰ کارگر سد کارون ۳ وابسته به شرکت سایبر، در جاده اهواز ایذه سرانجام با عقب نشینی مدیریت این مجتمع و با موفقیت کارگران پایان یافت. اعتراضات و اعتصابات کارگران سد کارون ۳ از روز ۲ بهمن ماه علیه اخراج ۱۲۰۰ کارگر این مجتمع و عدم پرداخت دستمزدها شروع شد. مدیریت مجتمع با همدستی کارفرما، شورای تامین استان و وزارت کار تلاش کرد تا با ایجاد تفرقه میان کارگران به اصطلاح بومی و غیر بومی، طرح اخراج را عملی کند.

قابل توجه طراحان و گرافیست ها

آرم حزب کمونیست کارگری را طراحی کنید

بنا به تصویب پلنوم ۱۳ کمیته مرکزی، لازم است آرم حزب کمونیست کارگری در اسرع وقت تهیه شود. بدینوسیله از همه علاقمندان و بویژه طراحان و گرافیست های باتجربه دعوت میکنیم ما را در این کار یاری کنند. طرح پیشنهادی خود

را بصورت فاکس و یا فایل تصویری کامپیوتری برای ما ارسال کنید. لازم است در طرح آرم حزب نکات زیر در نظر گرفته شود.

- * الزامی به استفاده از آرم سنتی داس وچکش نیست.
- * حتی اگر در طرح رنگ بکار رفته باشد، باید طرح آرم بصورت تک رنگی (سیاه و سفید) هم قابل استفاده باشد.
- * از نظر عملی باید آرم حزب برای یک فعال سیاسی بسادگی قابل رسم باشد (روی در و دیوار، پوستر ها و غیره). از اینرو سادگی آرم و محدود بودن اجزاء آن یک امتیاز محسوب میشود.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

تاریخ شکست نخوردگان؛ چند کلمه به یاد انقلاب ۵۷

mhekmat@yahoo.com

منصور حکمت



به نقل از فصلنامه نقطه،
شماره ۴ و ۵، زمستان ۱۳۷۴
و بهار ۱۳۷۵. این مقاله
مجدداً در خرداد ۱۳۷۵،
ژوئن ۱۹۹۶، در انترناسیونال
شماره ۹۲ منتشر شد.

هست که بتواند یک لحظه چشمانش را ببندد و به ۱۷ سال گذشته فکر کند و خاطرات شیرینی به یادش بیاید؟ میلیونها مردم به زندگی در ارتجاعی ترین و وحشیانه ترین نظام اجتماعی محکوم شدند، جامعه ای مبتنی بر ترس، فقر و دروغ بنا شد که در آن خوشی مصنوع است، زن بودن جرم است، زندگی کردن جزا است و فرار غیر ممکن است. یک نسل کامل، شاید نیم بیشتر مردم، اصلاً به این جهنم چشم گشوده اند و جز این خاطره ای ندارند. و برای بسیاری دیگر، زنده ترین خاطره، یاد چهره های فراموش نشدنی انسانهای پاکی است که بخون کشیده شدند. مگر نه اینست که نقطه آغاز این کابوس سال ۵۷ بود، سال انقلاب؟ شاید برای بعضی عاقبت نافرجام انقلاب ۵۷ در این روند "نو اندیشی" نقش داشته است. اما نه وسعت این ندامت و نه تلخی لحن و هیستری نوآندیشان امروز، هیچک را نمیتوان با ناکامی انقلاب ۵۷ توضیح داد. انگار کنار پلی نشسته آید و بازگشت لشکر شکست خورده ای را میبیند. غیر قابل انتظار نیست که این شکست خوردگان را محزون، مبهوت، ساکت و افسرده بباید. اما این جماعت مشت گره کرده اند. وقتی دقیق تر گوش میکنید، میبینید انگار دارند سرودی را زمزمه میکنند، آری، اشتباه نمیکنید، اینها دارند به جنگ میآیند، به جنگ "سرزمین" و "اردوگاه" و "قلعه" خود، یا بهرحال آنچه خود روزگاری چنین پنداشته و نامیده بودند. اینها دارند برای انتقام از "خود" و "خودی" های دیروز برمیگردند. برای کسی که از داخل قلعه به بیرون نگاه میکند، این حتماً منظره هولناکی است. کمتر انقلاب ناکام و جنبش شکست خورده ای چنین تلخ توسط مشتاقان دیروزش بدرقه شده است. انقلاب مشروطیت، جنبش ملی شدن صنعت نفت، دوران حکومت آئنده، انقلاب پرتقال، اعتصاب معدنچیان انگلستان، برای مثال، همواره احترام زیادی نزد پیش

میگویند در سالهای اخیر یک روند "بازبینی" و "بازنگری" در بین انقلابیون و چپگرایان اپوزیسیون ایران در جریان بوده است. نگاهی به نشریات متعددی که این طیف بویژه در خارج کشور منتشر میکند به وجود چیزی از این دست صحنه میگذارد، هرچند در اینکه "بازبینی" کلمه مناسبی برای توصیف این روند باشد جای تردید جدی هست. در خلوت، وقتی بیان حقیقت کسی را نمیرنجاند، میتوان این روند را یک روند ندامت توصیف کرد. اما در انتظار عموم، جایی که، بویژه این روزها، نزاکت سیاسی (Political Correctness) حکم میراند، شاید کلمه "نو اندیشی" معادل بهتری باشد. یکی از اولین قربانیان این روند نو اندیشی مقوله انقلاب و انقلابیگری بطور کلی و انقلاب ۵۷ بطور اخص بوده است.

هر ماه کوهی مطلب توسط افراد و محافل و جریانات متشکل از بازماندگان و انقلابیون پا به سن گذاشته انقلاب ۵۷ منتشر میشود. خواندن و تعقیب کردن همه اینها و شریک شدن در مشغله ها و دنیاهای ذهنی نویسندگان آنها هم عبث و هم بسیار دشوار است. اما دیدن روند "نو اندیشی" که ذکرش رفت سخت نیست. میتوان از شیوه "تداعی معانی" که یک ابزار روانشناسی است سود جست و عکس العمل این ادبیات را به کلمات کلیدی ای، مثلاً خود مقوله انقلاب، چک کرد. تصویری که بدست می آید جای ابهام باقی نمیگذارد. انقلاب: افراط، انقلاب: خشونت، انقلاب: استبداد، انقلاب: انهدام. و چرا که نه؟ آخر چه کسی از این بازماندگان انقلاب ۵۷

آنها و اصول در مقیاس بین المللی است که چند سالی به مد روز بدل شد. گفته اند که تاریخ را همواره فاتحین می نویسند. اما باید افزود که تاریخی که شکست خوردگان می نویسند به مراتب دروغین تر و مسموم تر است. چرا که این دومی جز همان اولی در لباس تعزیه و نوحه و تسلیم و خودفریبی نیست. اگر تاریخ داستان تغییر است، آنگاه تاریخ واقعی تاریخ شکست نخوردگان است. تاریخ جنبش و مردمی است که همچنان تغییر میخواهند و برای تغییر تلاش میکنند. تاریخ کسانی است که حاضر نیستند ایده آنها و امیدهای خود برای جامعه بشری را دفن کنند. تاریخ مردم و جنبشهایی است که در انتخاب اصول و اهداف خویش مخیر نیستند و ناگزیرند برای بهبود آنچه هست تلاش کنند. انقلاب ۵۷ در تاریخ فاتحین و شکست خوردگان هر دو، پله ای در عروج اسلام و اسلامیت و مسبب شرایطی است که امروز در ایران حاکم است. در تاریخ واقعی، اما، انقلاب ۵۷ جنبشی برای آزادی و رفاه بود که در هم کوبیده شد. مصائب دوران پس از انقلاب در ایران را باید پیاپی مسببین آن نوشت. مردم حق داشتند رژیم سلطنت و تبعیض و نابرابری و سرکوب و تحقیری را که شالوده آن را تشکیل میداد نخواهند و به اعتراض برخیزند. مردم حق داشتند که آخر قرن بیستم شاه نخواهند، ساواک نخواهند، شکنجه گر و شکنجه گاه نخواهند. مردم حق داشتند در برابر ارتشی که با اولین جلوه های اعتراض کشتارشان کرد دست به اسلحه ببرند. انقلاب ۵۷ حرکتی برای آزادی و عدالت و حرمت انسانی بود. جنبش اسلامی و دولت اسلامی نه فقط محصول این انقلاب نبود، بلکه سلاحی بود که آگاهانه برای سرکوب این انقلاب، هنگامی که ناتوانی و زوال رژیم شاه دیگر مسجل شده بود، به میدان آورده شد. برخلاف نظرات رایج، جمهوری اسلامی وجود خود را در درجه اول مدیون شبکه مساجد و خیل آخوندهای جزء نبود. منشاء این رژیم قدرت مذهب در میان مردم نبود، قدرت تشیع، بیعلاقگی مردم به مدرنیسم و انزجارشان از فرهنگ غربی، سرعت بیش از حد شهرنشینی و غیره کمبود "تمرین دموکراسی"، و غیره

پایان سوسیالیسم را پایان تاریخ خواندند. معلوم شد پایان سوسیالیسم پایان توقع برابری است، پایان آزاد اندیشی و ترقی خواهی است، پایان توقع رفاه است، پایان امید به زندگی بهتر برای بشریت است. پایان سوسیالیسم را حاکمیت بلامنزاع قانون جنگل و اصالت زور در اقتصاد و سیاست و فرهنگ معنی کردند. و بلافاصله فاشیسم، راسیسم، مرد سالاری، قوم پرستی، مذهب، جامعه ستیزی و زورگویی از هر منفذ جامعه بیرون زد. موج "نو اندیشی" ای که بدنمال این ماجرا در سطح کل جهان براه افتاد دیدنی بود. در یک مسابقه بین المللی ندامت و خودشیرینی، فضایل دیروز عار شمرده شدند، اصول دیروز نفرین شدند و آرمانهای دیروز به ریشخند گرفته شدند. حقارت و تسلیم بعنوان معنی زندگی به کرسی نشست. در فرهنگ توأبیت روشنفکران نظم نوین، هرکس که زندگی بهتری برای هموعانش میخواست و معتقد بود که وضع موجود میتواند و باید تغییر کند، هرکس که به برابری انسانها قائل بود و به یک آینده بهتر دعوتشان میکرد، هرکس که از لزوم تلاش جمعی آدمها برای تاثیرگذاری بر سرنوشت و سهمشان در جهان سخن میگفت، هرکس که دولت و جامعه را در قبال فرد و آسایش و آزادی او مسئول میدانست، از هزار و یک تریبون، خوشخیال، قدیمی، کم عقل و پا در هوا لقب گرفت. یاس نشان خرد شد، رها کردن آرمان های والای بشری واقع بینی و درایت خوانده شد. ناگهان معلوم شد که هر ژورنالیست تازه استخدام و هر استادیار تازه به کرسی رسیده و هر سرهنگ بازنشسته پاسخ غولهای فکری جهان مدرن، از ولتر و روسو تا مارکس و لنین، را دارد و کل معضل آزادیخواهی و برابری طلبی و تلاشهای صدها میلیون انسان در چند قرن اخیر، جز اتلاف وقت بیحاصلی در مسیر رسیدن به عمارت با شکوه "پایان تاریخ" نبوده است و باید هرچه زودتر به فراموشی سپرده شود. در متن این فضای بین المللی است که انقلابیون دیروز به "باز اندیشی" پیرامون انقلاب ۵۷ و انقلابیگری بطور کلی نشسته اند؛ و نتایجی که گرفته اند بیش از آنکه از ناکامی انقلاب ۵۷ ناشی بشود، مدیون روند تسمخر ایده

کسوتان و شرکت کنندگان خود داشته اند. علت نو اندیشی امروز انقلابیون دیروز ایران را باید جای دیگری جستجو کرد. واقعیت اینست که همین سالها، سالهای پس از انقلاب ۵۷، در سطح جهانی مصادف با رویداد به مراتب مهمتری بود. سقوط بلوک شرق، که این اواخر دیگر فقط در تبلیغات عوام فریب ترین سخنگویان پیمانهای ورشو و ناتو و هالوتترین طرفدارانشان به آن "اردوگاه سوسیالیسم" اطلاق میشد، یک زلزله سیاسی و اجتماعی بود که کل دنیا را تکان داد. نفس حذف یک قطب از جهانی دو قطبی، جهانی که همه چیزش، از اقتصاد و تولید تا علم و هنر، برای دهها سال بر محور تقابل این دو قطب شکل گرفته بود، به اندازه کافی زیر و رو کننده بود. اما آنچه در قلمرو افکار و اندیشه تعیین کننده بود، این واقعیت بود که حاکمان جهان و گله وسیع سخنگویان و مبلغین جیره خوارشان در دانشگاه ها و رسانه ها، توانستند سقوط شرق را سقوط کمونیسم و پایان سوسیالیسم و مارکسیسم تصویر کنند. کل این شعبده بازی البته بیش از شش سال بطول نیانجامید و تمام شواهد امروز حاکی از اینست که این دوران فریب دیگر به سر رسیده است. اما این شش سال دنیا را تکان داد. این پایان سوسیالیسم نبود، اما سرنخی بود به اینکه پایان سوسیالیسم واقعا چه کابوسی میتواند باشد و دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم، به چه منجلابی بدل میشود. معلوم شد جهان، از حاکم و محکوم، سوسیالیسم را با تغییر تداعی میکند.



نمود. این زحیلات ممکن است بدرد کاریر شغلی "شرق شناسان" نیم بند و مفسرین رسانه ها بخورد، اما سرسوزنی به حقیقت ربط ندارد. جریان اسلامی را همان نیروهایی به جلوی صحنه انقلاب ۵۷ کشیدند که تا دیروز زیر بغل رژیم شاه را گرفته بودند و ساواکش را تعلیم میدادند. آنها که پتانسیل رادیکالیزاسیون و دست چپی از آب در آمدن انقلاب ایران را میشناختند و از اعتصاب کارگران صنعت نفت درس خود را گرفته بودند. آنها که به یک کمربند سبز در کش و قوسهای جنگ سرد نیاز داشتند. برای "اسلامی" شدن انقلاب ایران پول خرج شد، طرح ریخته شد، جلسه گرفته شد. هزاران نفر، از دیپلماتها و مستشاران نظامی غربی تا ژورنالیستهای همیشه باشرف دنیای دموکراسی ماهها عرق ریختند تا از یک سنت عقب مانده، حاشیه ای، کپک زده و به انزوا کشیده شده در تاریخ سیاسی ایران، یک "رهبری انقلاب" و یک آلترناتیو حکومتی برای جامعه شهری و تازه - صنعتی ایران سال ۵۷ بسازند. آقای خمینی نه از نجف و قم و در راس خیل ملاهای خر سوار دهات سر راه، بلکه از پاریس آمد و با پرواز انقلاب. انقلاب ۵۷ تجسم اعتراض اصیل مردم محروم ایران بود، اما "انقلاب اسلامی" و رژیم اسلامی محصول جنگ سرد بود، محصول مدرن ترین معادله سیاسی جهان آن روز. معماران این رژیم، استراتژیستها و سیاست گذاران قدرتهای غربی بودند. همانها که امروز از درون لجنزار نسبی گرایی فرهنگی، هیولای مخلوق خودشان را به عنوان محصول طبیعی "جامعه شرقی و اسلامی" و درخور

مردم "جهان اسلام" یکبار دیگر مشروعیت میبخشند. کل امکانات اقتصادی و سیاسی و تبلیغاتی غرب برای ماهها قبل و بعد از بهمن ۵۷ برای به کرسی نشاندن این رژیم و سر پا نگاهداشتن آن بسیج شد.

اما اینکه نفس اجرای این مهندسی اجتماعی در ایران مقدر شد، مدیون اوضاع و احوال و نیروهای سیاسی و اجتماعی داخل ایران بود. ماتریال کافی برای این کار فراهم بود. حرکت اسلامی در همه کشورهای منطقه وجود داشته است. اما تا رویدادهای ایران در هیچ مقطعی این جنبش به یک جریان سیاسی قابل اعتنا و یک بازیگر اصلی در صحنه سیاسی این کشورها بدل نشده بود. (ضد) انقلاب اسلامی را نه به نیروی ناچیز حرکت اسلامی، بلکه روی دوش سنتهای سیاسی اصلی اپوزیسیون ایران ساختند. ضد انقلاب اسلامی را روی دوش سنت ملی و باصطلاح لیبرالی جبهه ملی ساختند که از کارگر و کمونیست بیش از هر چیز هراس داشت و تمام عمرش را زیر شنل سلطنت و عباي مذهب به جویدن ناخنهایش گذرانده بود. سنتی که در تمام طول تاریخش قادر نشد حتی یک تعرض نیم بند سکولار به مذهب در سیاست و فرهنگ در ایران بکند. سنتی که رهبران و شخصیتهایش جزو اولین بیعت کنندگان با جریان اسلامی بودند. ضد انقلاب اسلامی را روی دوش سنت حزب توده ساختند که ضد-آمریکایی گری بهر قیمت و تقویت اردوگاه بین المللی اش فلسفه وجودی اش را تشکیل میداد و رژیم اسلامی را، مستقل از اینکه چه به روز مردم و آزادی میاورد، زمین باروری برای مانور و مانیپولاسیون میدید. رژیم اسلام را روی دوش سنت

منحط ضد-مدرنیست، ضد "غرب زدگی"، بیگانه گریز، گذشته پرست و اسلام زده حاکم بر بخش اعظم جامعه هنری و روشنفکری ایران ساختند که محیط اولیه اعتراض جوانان و دانشجویان را شکل میداد. خمینی پیروز شد، نه به این خاطر که مردمانی خرافاتی عکس او را در ماه دیده بودند، بلکه به این خاطر که اپوزیسیون سنتی و این فرهنگ منحط ملی و عقبگرا، او را، که در واقع وارداتی ترین و دست سازترین شخصیت سیاسی تاریخ معاصر ایران بود، "ساخت ایران"، خودی و ضد غربی تشخیص داد و به تمجیدش برخاست. ضد انقلاب اسلامی محصول این بود که ابتکار عمل در صحنه اعتراضی از دست حرکت مدرنیستی - سوسیالیستی کارگران صنعت نفت و صنایع بزرگ، به دست اپوزیسیون سنتی ایران افتاد. اینها بودند که پرسوناژ خمینی و سناریوی انقلاب اسلامی را از غرب تحویل گرفتند و عملا به توده مردم معترض فروختند.

علیرغم همه اینها، معرکه گیری اسلامی تنها توانست وقفه ای در روند انقلاب ۵۷ ایجاد کند. رویدادهای دوره بلافاصله پس از قیام بهمن نشان داد که دینامیس انقلاب هنوز برجاست. نشان داد که مردم، هرچه بر زیانشان انداخته شده بود، بهرحال

نه برای اسلام بلکه برای آزادی و رفاه اجتماعی به میدان آمده بودند و هنوز در میدان مانده بودند. بالاخره، انقلاب ۵۷ مثل اکثر انقلابات، نهایتا نه با فریب و صحنه سازی، بلکه با سرکوبی بسیار خونین به شکست کشیده شد. فاصله ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۶۰ تمام آن فرصتی بود که اسلام و حرکت اسلامی با همه این سرمایه گذاری ها و تلاشها توانست برای موکلین مستاصل رژیم شاه بخرد. و البته از این بیشتر نیاز نداشتند. در تاریخ واقعی ایران، ۳۰ خرداد به ۱۷ شهریور میچسبد و حلقه بعدی آن است. خمینی، بازرگان، سنجایی، مدنی، فروهر، یزدی، بنی صدر، رجایی و بهشتی، نامهایی هستند که باید بدنبال محمدرضا پهلوی، آموزگار، شریف امامی، بختیار، اویسی، ازهری و رحیمی آورده شوند، بعنوان مهره هایی که یکی پس از دیگری جلوی صحنه میآیند تا شاید راه انقلاب و اعتراض مردم را سد کنند. رژیم سلطنت و مهره های رنگارنگش در مقابل ضربات پی در پی جنبش اعتراضی شکست خوردند. حکومت اسلامی، در عوض، قادر شد فرصت بخرد،

نیروی ارتجاع را بازسازی کند و انقلاب مردم را به خونین ترین شکل در هم بکوبد. دستور کار هر دو رژیم یک چیز بود. نیم بیشتر مردم ایران جوان تر از آنند که حتی خاطره گنگی از انقلاب ۵۷ داشته باشند. رابطه اینها با رویدادهای آن دوره بی شباهت به رابطه نسل انقلابیون ۵۷ با وقایع دوران مصدق و ماجرای ۲۸ مرداد نیست. دورانی سپری شده و غیر قابل لمس که ظاهرا فقط در ذهن نسل معاصر خودش زنده و مهم تلقی میشود. روایتها از آن دوران زیاد و مختلفند، اما بیش از آنکه چیزی راجع به حقیقت تاریخی بگویند، راجع به خود راوی و مکانش در دنیای امروز حکم میدهند. انسان همیشه از دریچه امروز به گذشته مینگرد و در آن در جستجوی یافتن تأییدی بر اراده و عمل امروز خویش است. نوآندیشان ما نیز در نگاه به انقلاب ۵۷، در پی برافراشتن پرچمی در ایران هستیم. اما این پرچم همیشه وجود داشته است. اینکه هر بار چه کسی، با چه تشریفات و با زمزمه چه اوراد و آیاتی، زیر این پرچم حضور به هم میرساند مساله ای ثانوی است.

رادیو انترناسیونال را روی اینترنت بشنوید
www.radio-international.org

طول موج و ساعات جدید بخش کردی رادیو انترناسیونال

مدت برنامه بخش کردی به یکساعت افزایش می یابد

از ۱۲ بهمن برنامه بخش کردی رادیو انترناسیونال

هر پنج شنبه از ساعت شش و نیم تا هفت و نیم به وقت تهران روی طول موج ۳۱ متر برابر با ۹۴۵۰ کیلوهرتز پخش میشود.

به همه دوستان و آشنایان و علاقمندان بویژه در شهرهای کردستان اطلاع دهید

در کنفرانس تشکیلات سوئد حزب کمونیست کارگری شرکت کنید

کنفرانس تشکیلات سوئد حزب کمونیست کارگری در روزهای شنبه و یکشنبه ۱۷ و ۱۸ فوریه برگزار میشود. شرکت در کنفرانس برای عموم آزاد است و علاقمندان میتوانند بعنوان ناظر در کنفرانس شرکت کنند. رسانه ها نیز امکان تهیه گزارش از کنفرانس را دارند.

تعدادی از کادرهای مرکزی حزب نیز در کنفرانس شرکت خواهند داشت.

این فرصت مناسبی برای آشنایی با تشکیلات حزب، اعضا و کادرهای آن، همینطور کادرهای مرکزی حزب، در اجلاس سالانه اعضای حزب در سوئد است. برای ثبت نام و دریافت کارت ورودی و جزئیات بیشتر در مورد کنفرانس میتوانید از طریق شماره تلفن، فاکس و ای میل زیر تماس بگیرید.

Tel: (46) 070-765 3234

Fax: (46) 083 99734

E-mail Konfrans9@yahoo.se

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

انجمن مارکس لندن

ورود برای عموم آزاد است

شنبه ۲۴ فوریه منصور حکمت

بازخوانی گاپیتال مارکس (سمینار اول)

ورودی ۱۰ پوند اعضای انجمن رایگان

Tel: 0771 461 1037

Fax: 0870 133 4206

Email: marxsocty@yahoo.com

Website: www.marxsocty.com

mosaber@yahoo.com

مصطفی صابر

سربالایی و دیالوگ اسبها



خردادی در عین حال نشانه دیگری از این واقعیت است که عربده کشی ها هفته های اخیر جناح راست به جایی نرسیده است. جناح راست میخواست با اعمال سیاست ارباب اسلامی مردم را به عقب براند و دوم خرداد را به اطاعت مطلق وادار کند. دوم خرداد بارها نشان داده است که آماده خفقان گرفتن است بشرط آنکه جناح راست از پس مردم بر آید. اما مردم مرعوب نشدند. در خارج کشور جمهوری اسلامی وسیعاً (اساساً توسط حزب ما) افشاء شد. در داخل اعتراضات و اعتصابات همچنان ادامه دارد و گسترش می یابد. کارگران، معلمان، پزشکان، زنان، جوانان در شهرهای مختلف علیه فلاکت و خفقان موجود اعتراض میکنند. طبق شواهد، روحیه مردم و فعالین افت که نکرده بالاتر هم میرود. نه فقط این، که مقاومت و اعتراض پابینی ها به تشدید بحران و دعوی بالایی ها منجر میشود. علاوه بر دادگاه تاج زاده، دستگیری یک نماینده مجلس و نمونه های ریز و درشت دیگر، ارجاع تصویب بودجه به جلسه فوق العاده مجمع تشخیص مصلحت که با حضور سران سه قوه و شورای نگهبان برگزار میشود خصلت نمای "دیالوگ" گاز و لگد اسبهای گاری جمهوری اسلامی است.

دادگاهی که جناح راست برای تاج زاده (معاون وزیر کشور و رئیس ستاد انتخابات ۸۰) برپا کرده است، قابل توجه است. اول اینکه ظاهراً تاج زاده به اتهام تقلب در انتخابات محاکمه میشود. هم قاضی - دادستان جناح راست و هم معاون وزیر دوم خرداد هریک انبوهی از "آمار و ارقام و شواهد" حاکی از تقلب طرف مقابل در انتخابات دارند. این اظهارات را همراه با یک قاب آینه نفیس باید به گروههای اپوزیسیون ملی اسلامی، نویسندگان سینه چاک دوم خرداد و آقایان و خانم های ژورنالیستی که هنگام انتخابات مجلس ششم اسلامی غریب "دمکراسی اسلامی" شان بهوا رفته بود، باید داد تا بخوانند و بعد کمی هم به خودشان نگاه کنند.

اهمیت دادگاه تاج زاده البته جای دیگری است. این یکی از جدی ترین حمله جناح راست به کابینه خاتمی، بعد از مجلس ششم است. اگر قوه قضاییه بتواند راساً معاون وزیر و رئیس ستاد انتخابات را ببندازد آنگاه چه تضمینی هست که وزرا و حتی رئیس کابینه "امنیت" داشته باشند. هر لحظه برادران شان در قوه قضاییه و بازرسی کل کشور عشق شان بکشد میتوانند در خانه حضرات را بزنند. و این فاتحه ای بر قوه مجریه نیمه جان دوم خرداد است. لذا عجیب نیست اگر تاج زاده "جسارت" به خرج داده و در اعتراض به عدم حضور همه خبرنگاران و علنی نبودن دادگاه، آنرا ترک کرده است. وی گفته است (و محمدرضا خاتمی تایید کرده است) که اگر دادگاه بخواید اینطور پیش برود ترجیح میدهد قاضی حکم غیابی بدهد!!

حتی این درجه "جسارت" دوم

فراخوان حزب کمونیست کارگری ایران بمناسبت ۸ مارس کمپین علیه حجاب، سمبل بردگی زن

مبارزه علیه حجاب باید به یکی از عرصه های اصلی مبارزه علیه رژیم بدل شود. حمله به حجاب ارکان حکومت اسلامی را به لرزه خواهد انداخت. هر تعرض ما به حجاب، یک گام بلند در مسیر سرنگونی رژیم اسلامی است. زنان آزادخواه!

۸ مارس روز جهانی زن، روز همبستگی بین المللی زنان نزدیک است. بکوشیم تا ۸ مارس امسال را به روز اعتراض وسیع و رسا علیه جمهوری اسلامی و علیه زن ستیزی آن بدل کنیم. با برگزاری جشن ها و میتینگ ها این روز را گرمی بداریم. در ۸ مارس ۱۳۵۷ جمهوری اسلامی با شعار "یا روسری یا توسری" به زنان حمله ور شد. در ۸ مارس ۱۳۷۹ زنان آزادخواه ایران میتوانند با شعار "نه روسری نه توسری" و با دور ریختن حجاب به میدان بیایند. ۸ مارس را به روز مبارزه علیه حجاب بدل کنیم.

گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن

زنده باد آزادی و برابری
مرگ بر جمهوری اسلامی
حزب کمونیست کارگری ایران

۸ مارس امسال، روز مبارزه علیه حجاب اسلامی

روزنه دات کام

روزنامه اینترنتی روزنه کلیه اطلاعاتی ها و مقالات رسیده از نویسندگان و سازمانهای گوناگون را منتشر میکند
روزنه هر روز منتشر میشود
www.rowzane.com

جمهوری اسلامی از همان ابتدا با شعار "یا روسری یا توسری" به زنان هجوم برد و و اراذل و اوباش حزب الهی را با اسید و چاقو به جان زنان انداخت. بیست و سه سال است که جمهوری اسلامی یک نظام زن ستیز را با خشونت بیرحمانه ای بر مردم ایران تحمیل کرده است. حجاب یکی از ارکان اصلی این نظام، و سلاحی برای سرکوب و به عقب راندن زنان بطور خاص و جامعه بطور کلی بوده است. حجاب سمبل و پرچم این نظام است. و از همین روست که هر مقاومت و نافرمانی زنان در مقابل حجاب اجباری با عکس العمل خشن رژیم روبرو میشود. مبارزه علیه حجاب یکی از عرصه های اصلی مبارزه جنبش برابری طلبانه زنان با جمهوری اسلامی است. تحمیل حجاب به زنان به یکی از معضلات اصلی جمهوری اسلامی بدل شده است. رجزخوانی ها و خواهش های ملتسمانه رهبران حکومت از زنان برای رعایت حجاب یک گواه این واقعیت است. مردم آزادخواه!

با اوج گیری و گسترش جنبش اعتراضی که جمهوری اسلامی را در یک بحران عمیق گرفتار ساخته است،

آذر مدرسی رئیس هیات دبیران

0049-172 7823746

اصغر کریمی دبیر کمیته خارج

0044-771 4097928

رحمان حسین زاده - دبیر کمیته کردستان:

0046-739 855 837

محمد آسنگران روابط عمومی کمیته کردستان:

0049-177 569 2413

بهروز مدرسی - دبیرسازمان جوانان کمونیست:

0049172 295 7603

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.haftegi.com

www.wpiran.org

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.iwsolidarity.com

www.medusa2000.com

www.marxsociety.com

www.kvwpiran.org

Bank Account:

Z.I. Konto:

520 5164 008

BLZ: 10090000

Beliner Volksbank

Germany

Website:

www.haftegi.com

Email:

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-8701207768

انترناسیونال هفتگی

Address:

BM Box 8927

London

WC1N 3XX

England